



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتواریگی - نقد آیدنولوژی

<https://naghd.com>

فعالیت سازمان‌های مردمی

در دوران کمون پاریس ۱۸۷۱

یوجین شو لکیند

ترجمه‌ی: دلشاد عبادی



آذر ۱۳۹۹

مورخان از زمان شکست کمون پاریس در هفته‌ی خونین ماه می ۱۸۷۱، تفسیرهای عمیقاً متفاوتی از سرشت سیاسی و اجتماعی کمون ارائه داده‌اند. با این حال، به‌رغم گستره‌ی متنوع رویکردها به این مسئله، گرایش عمومی در بررسی کمون همواره به بررسی مدارک و شواهد مرتبط با اقدامات رسمی و بیانیه‌ها، صورت‌جلسه‌های نشست‌های کمون، روزنامه‌های پُرتیراژ و روایت‌های به‌جا مانده از شخصیت‌های اصلی کمون محدود بوده است. از سوی دیگر، یا فعالیت گسترده‌ی سازمان‌های مردمی را نادیده گرفته‌اند یا به‌شکلی سطحی به آن پرداخته‌اند.

هدف این مقاله جلب توجه نسبت به ماهیت عمیقاً فعالانه و تأثیرگذار جنبش مردمی کموناردهاست. فعالیت‌های مردمی آن شایستگی را دارد که در بحث درباره‌ی ماهیت اجتماعی و اقتصادی کمون جایگاه بس مهم‌تری را به خود اختصاص دهد، چراکه تأسیس کمون و دفاع از آن عمده‌تاً نتیجه‌ی همین شورواشتیاق مردمی بود که با محاصره‌ی پاریس از سوی نیروهای پروس در زمستان بعد از آن آغاز شد.

هرچند بخش عمده‌ی مدارک موجود در نتیجه‌ی گستره‌ی ویرانی‌ها و اهمال‌کاری از دست رفتند، متون و منابع چاپی به‌جامانده می‌توانند برای ما تصویری از شکل‌ها و محتوای عمومی سازمان‌های مردمی ترسیم کنند. یکی از منابع اصلی مستندات مجموعه‌ای از دست‌نوشته‌های صورت‌جلسات و اوراق گوناگون انجمنی است که در مجموعه‌ی مدارک مربوط به شورای جنگ قرار گرفته و جزء آن دسته از منابع آرشیو وزارت جنگ فرانسه محسوب می‌شود که عملاً مهجور و بررسی‌نشده باقی مانده است.^۱

^۱ Clubs, comites, associations diverses, C-22

(که از این‌جا به بعد Cons. De Guerre می‌نامیم).

اطلاعات بیشتر را می‌توان از دست‌نوشته‌ها و مدارکی به دست آورد که در هریک از این نهادها وجود دارند:

Bibliothèque nationale, the Archives nationales, the Archives de la Seine, the archives of the Bibliothèque historique de la ville de Paris, the Istituto Feltrinelli in Milan, the Marx-Engels-Lenin Institute in Moscow, and the archives of the International Institute for Social History in Amsterdam.

هم‌چنین بنگرید به:

Firmin Maillard, *Affiches, professions de foi, documents officiels, clubs et comites pendant la Commune* (Paris, 1871); Gustave de Molinari, *Les clubs rouges pendant le siage de Paris* (Paris, 1871); *Les Murailles politiques fran9aises* (2 vols.; Paris, 1871); *Les Actes du Gouvernement de la Defense nationale, du 4 septembre 1870 au 8 fevrier 1871. Engovernquete parlementaire faite par l'Assemblée Nationale* (7 vols.; Paris, 1872- 1875); *Enquete parlementaire sur l'Insurrection du 18 mars 1871* (3 vols.; Versailles, 1872); *Recueil d'affiches, lettres et cartes de reunions politiques, arranged by year and by department* (Lb 1384-Bibliothèque nationale); collections of Communard newspapers at the Bib. hist. de la ville de Paris and at the Istituto Feltrinelli; my article: "Le role des femmes dans la Commune de 1871," 1848, *Revue des Revolutions contemporaines*, XLII (fev-1950); A. Molok, "Les ouvriers de Paris pendant la Commune," *Cahiers du communisme*, Nos. 5 & 6 (mai et juin 1951) as

این مقاله منحصراً به فعالیت مردمی کموناردها در پاریس می‌پردازد، اما همزمان با این وقایع، تظاهرات و نمودهای مردمی روحیه‌ی هواداری از کمون در دیگر شهرهایی که خیزش‌های کمونی مشابهی را تجربه کردند یا سایر مراکز صنعتی سراسر فرانسه نیز بسط و گسترش یافت. پژوهش‌های بیشتر در آرشیوهای محلی درباره‌ی فعالیت بخش‌هایی از بین‌الملل اول، روزنامه‌ها، اتحادیه‌ها و باشگاه‌ها، به تصحیح این برداشت رایج اما غلط کمک می‌کند که کمون را «خیزشی» منحصر به پاریس قلمداد می‌کند.^۲

هنگامی که شهروندان رادیکال‌تر پاریس در هجدهم مارس ۱۸۷۱ دولت [آدولف] تی‌ار را مجبور کردند که به ورسای بگریزد و آزادی عمل لازم برای تأسیس «کمون پاریس» به دست آمد، سازمان‌های مردمی پیشاپیش به بلوغ رسیده بودند. در سراسر پنج ماه منتهی به محاصره‌ی پاریس از سوی پروس، مطالبه‌ی حکومت «کمون» به طرز فزاینده در فضای باشگاه‌ها طنین‌انداز شده بود. چنین حکومتی هم ابزاری برای تضمین وجود شکلی جمهوری خواهانه از حکومت تلقی می‌شد و هم اقدامی بود در جهت تشکیل یک ارتش مردمی [Levée en masse] علیه مهاجمان، به شیوه‌ی جمهوری خواهان داوطلب در ۱۷۹۲. یک ماه تهییج و فعالیت پیرامون این شعار، دست‌آخر به تظاهرات ۳۱ اکتبر منجر شد که در واقع، نخستین اقدام مسلحانه برای تأسیس کمون بود.

همزمان با افزایش دشواری‌های برخاسته از محاصره‌ی نیروهای پروس در میان مردم شهر، باشگاه‌ها به تریبونی برای بیان نارضایتی از دولت موقت بدل شدند. مشکلات اقتصادی، به‌ویژه در میان کارگران، به موضوع رایج بحث‌ها بدل شد و به گسترش تفکرات برابری طلبانه و سوسیالیستی کمک کرد. همزمان با گسترش این باور که دولت موقت در حال خیانت به ملت بود، این اعتقاد نیز تقویت شد که فقط یک «کمون» می‌تواند پیرامون خط‌مشی جنگ تمام‌عیار [guerre à outrance] به شکلی مؤثر به سازماندهی مجدد دفاع بپردازد. «پوستر سرخ» مشهور ششم ژانویه که از سوی کمیته‌ی بخش بیستم فرمانداری انتشار یافت، بازتاب احساسات عمومی به طریق زیر بود:

translated from Voprosy istori (No. 3, 1951); Le Comite central republicain des vingt arrondissements (septembre 1870-mai 1871), edited by Jean Dautry et Lucien Scheler (Paris, 1959); Paul Fontoulieu, Les eglises de Paris sous la Commune (Paris, 1873).

همچنین، برای مشاهده‌ی کتاب‌شناسی‌ای جامع درباره‌ی تمامی جنبه‌های کمون، بنگرید به:

Giuseppe Del Bo, La Comune di Parigi (Milan, 1957)

^۲ پربارترین منابع محلی در این زمینه عبارتند از: در آرشیوهای سازمانی،

Serie M, Police generale (especialy M6, Police administrative); Serie R4, Garde nationale;

و ذیل طبقه‌بندی‌های ویژه؛ صورتجلسات نشست‌های شورای شهرداری در شهرهای عمده؛ مجموعه‌ی روزنامه‌های محلی ۱۸۷۰ و ۱۸۷۱؛ گزارش‌های مربوط به کمیته‌های فرعی به

Commission d'enquete sur les actes du Gouvernement de la Defense Nationale. op cit.

مدارک ارسالی به دادگاه‌های استیناف محلی در رابطه با

Enquete parlementaire sur l'insurrection du 18 mars 1871, op. cit.

خطامشی، راهبرد و اداره‌ی دولت ۴ سپتامبر، که چیزی جز تداوم امپراتوری نیست، همگی محکوم است. راه را برای مردم باز کنید! راه را برای کمون باز کنید!^۳

این تحریکات بار دیگر در ۲۱ ژانویه به خیزشی دیگر منجر شد. نقش مؤثری که باشگاه‌ها در این تظاهرات ایفا کردند، دولت [موقت] را واداشت که سالن‌های اجتماعات این باشگاه‌ها و همچنین هفته‌روزنامه را تعطیل کند.^۴ اپوزیسیون مردمی که در نتیجه‌ی شکست این دومین تلاش مسلحانه برای تأسیس کمون در پاریس تضعیف شده بود، اینک بیش از پیش در ممانعت از آتش‌بس با پروس در ۲۸ ژانویه ناتوان بود.

برای مطالعه‌ی فعالیت‌های مردمی بعدی ذیل کمون، پایه‌ی طبقاتی اتهام «خیانت» نسبت به دولت موقت، بسیار مهم است. «خیانت» به تلاش دفاعی ملت هم‌چون انتخابی عامدانه از سوی دولت موقت تصویر شد که برخاسته از هراس آن از عواقب سیاسی و اجتماعی بسیج مردمی مسلحانه با الهام از احساسات جمهوری خواهانه قلمداد می‌شد. مروجین با برقراری تشابه میان صحنه‌ی رخدادهای معاصر و انقلاب فرانسه، توانستند بورژواها و زمین‌داران ۱۸۷۰ را در مقام اشرافیت رژیم کهن و کارگران را در مقام انقلابیون آن زمان بنشانند.

پس از امضای آتش‌بس با آلمان‌ها، تمرکز از اتهام «خیانت» به سرعت به نارضایتی سیاسی و اجتماعی معطوف شد که پایه‌ی فعالیت‌های آتی‌ای بود که بعدها به تأسیس کمون انجامید.

طیف متنوعی از فرقه‌های سوسیالیستی در محله‌های عمدتاً کارگری در دوره‌ی پیشاکمون گسترش یافت. برنامه و فهرست نامزدهایی که در جلسات متعدد از سوی دو سازمان عمده‌ی کارگران پاریسی — بخش پاریس بین‌الملل و شورای متحد اتحادیه‌های کارگری [Federated Council of Trade Unions] — برای انتخابات هشتم فوریه ارائه شده بود از حمایت چشمگیری برخوردار شد. این برنامه با عنوان «به‌نام جهانی تازه» به ترتیب زیر بر چهار نکته تأکید می‌کرد:

وجود جمهوری به‌ترتیبی که تحت هیچ شرایطی به چالش کشیده نشود؛

ضرورت به دست گرفتن قدرت سیاسی از سوی کارگران؛

انحلال الیگارش‌ی حکومتی و فئودالیسم صنعتی؛

سازمان‌دهی جمهوری‌ای که با اعطای وسایل تولید به کارگران، به‌همان سیاق جمهوری ۱۷۹۲ که به دهقانان زمین اعطا کرد، به برابری سیاسی و اجتماعی دست یابد.^۵

^۳ این اعلامیه از سوی ۱۴۰ منتقد اصلی دولت موقت امضا شده بود. در اوایل سپتامبر، گروه‌هایی اقدام به تأسیس کمیته‌ی بیست فرمانداری در اغلب فرمانداری‌های پایتخت کردند که برخی از اعضای برجسته‌ی آن از بین‌الملل و انجمن‌های رادیکال‌تر آمده بودند.

^۴ ممنوعیتی که البته کوتاه‌مدت و نامؤثر بود. نشست‌های انتخاباتی برای رأی‌گیری هشتم فوریه، بی‌درنگ به محملی برای بیان خواسته‌های مردمی بدل شد.

^۵ Murailles politiques francaises, I, 866.

به همین ترتیب، انجمن عمومی کمیته‌های حراست از محله‌ها که در اصل هدفشان تنها دفاع و حمایت از دولت جمهوری بود، در اعلامیه‌ی اصول [Déclaration de Principes] چنین بیان می‌کرد که:

تمامی اعضای کمیته‌ی حراست طرفداری‌شان را از حزب سوسیالیست انقلابی اعلام می‌کنند. بنابراین، این کمیته خواستار و در تکاپو برای از میان برداشتن امتیازات بورژوازی، برافتادنش به‌عنوان کاست حاکم و دست‌یابی کارگران به قدرت سیاسی به هرنحو ممکن است. در یک کلام، کمیته خواستار برابری اجتماعی است ... کمیته کار را یگانه مبنای قانون اساسی اجتماعی می‌داند، کاری که محصول نهایی‌اش می‌بایست در اختیار کارگران قرار بگیرد.

... بنابراین، پیش از آن که بنیادهای نظم فعلی جامعه از رهگذر انحلال انقلابی اجتماعی و سیاسی دگرگون شود، کمیته در صورت لزوم، با توسل به قهر از تشکیل هرگونه جلسات با هر ترکیبی یا تشکیل دیگر مجامع به اصطلاح ملی ممانعت به عمل می‌آورد ...^۶

این اعلامیه پیش‌تر رفت و تصویری از یک حکومت کمونی ارائه می‌کرد:

کمیته تا به انجام رسیدن این انقلاب نهایی، برای حکمرانی بر شهر تنها آن کمون انقلابی را به رسمیت می‌شناسد که از نمایندگان گروه‌های سوسیالیستی انقلابی همان شهر برخاسته باشد. کمیته هیچ حکومتی را در کشور به رسمیت نمی‌شناسد مگر حکومتی که در جهت انحلال سیاسی و اجتماعی و متشکل از نمایندگان کمون‌های انقلابی کشور و مراکز اصلی کارگران باشد. کمیته متعهد می‌شود که با ایجاد گروه‌های سوسیالیستی انقلابی، در جاهایی که چنین گروه‌هایی از پیش وجود ندارند، در جهت دفاع و انتشار این ایده‌ها مبارزه کند. کمیته این گروه‌های انقلابی را متحد و در ارتباط با نمایندگی مرکزی قرار می‌دهد و سرانجام، از تمامی ابزارهای در دسترس در جهت تبلیغ برای انجمن بین‌المللی کارگران استفاده می‌کند.^۷

هرچند این اظهارات ممکن است خوش‌بینانه به نظر برسند، حاکی از پدیدآمدن تدریجی تصویری از کمون به‌مثابه‌ی دولت کارگری‌اند.

چندان تعجب‌برانگیز نیست که زیرمجموعه‌های پارسی بین‌الملل برای برپا ساختن یک دولت جمهوری «کارگری» تلاش می‌کردند که متعهد به دست‌یابی به شکلی از مالکیت کارگری بر ابزار تولید بود. اما جالب‌توجه است که در ماه‌های منتهی به کمون، چنین تفکری، هم‌چنین در جلسات دیگر سازمان‌ها در

^۶ این مجمع در ۲۲ و ۲۳ فوریه برگزار شد. رونوشتی از این مذاکرات را می‌توان در اسناد مربوط به Comité de Vaugirard در C-22 Conseil de Guerre یافت. رونوشت دیگری نیز در آرشیوهای ملی موجود است.
^۷ همان.

محلله‌های کارگری نیز رواج یافته بود. نتیجه‌ی فرعی این امر، تحول معنای «کمون» بود؛ کمون از حکومتی برای حفظ جمهوری و پیگیری فعالانه‌ی دفاع نظامی ملت، به حکومتی بدل شد که می‌تواند «رهایی» اجتماعی و اقتصادی کار را محقق سازد.

این برداشت رایج از انتخابات هشتم فوریه برای مجمع ملی، که مدعی است پیش از ۱۸ مارس تمایلات سوسیالیستی چندانی وجود نداشت، برداشتی گمراه‌کننده است. در واقع، فرصت یک‌هفته‌ای آمادگی برای این انتخابات تنها به شکل‌گیری ملغمه‌ای از چهره‌های سیاسی مشهور جمهوری خواه مجال بروز می‌داد. مسئله‌ی فوری حفظ شکل جمهوری حکومت در مقابله با ظهور تمایلات سلطنت‌طلبانه در سایر نقاط کشور، خودبه‌خود باعث شد که مسائل اجتماعی در انتخابات به جایگاهی ثانویه تقلیل یابند.

انتخاب مجمع ملی‌ای شدیداً سلطنت‌طلب و محافظه‌کار با اعلام برنامه‌هایی در جهت فسخ معافیت پرداخت اجاره‌بها و سررسید پرداخت‌ها همراه بود که منجر به انباشت نارضایتی اجتماعی شد. تشدید دشواری‌های اقتصادی برای کارگران و مغازه‌داران به تقویت اپوزیسیون مردمی علیه دولت موقت چهارم سپتامبر انجامید.

با به دست گرفتن اختیار حکومتی از سوی کمیته‌ی مرکزی گارد ملی در ۱۸ مارس و آغاز به کار کمون در ۲۶ مارس، سازمان‌دهی مردمی از نیروی اپوزیسیون به نیروی حامی دولت جدید تبدیل شد. اکثریت باشگاه‌هایی که عمدتاً از اعضای کارگر برخوردار بودند، از نفوذ و حضور بیشتری در مسائل برخوردار شدند که بازتابی بود از رواج این عقیده‌ی کارگران که سرانجام مناسب‌ترین مجال برای بحث از تغییرات سیاسی و اجتماعی مهیا شده است. یکی از فعال‌ترین باشگاه‌ها در خلال کمون، در بیانیه‌ای چنین اعلام کرد:

ما به کمک نشست‌های عمومی توانسته‌ایم حقوق خود را به رسمیت شناسانده و از آن دفاع کنیم. فقط از رهگذر نشست‌های عمومی است که می‌توانیم وضعیت متلاطمی را که از سر می‌گذرانیم برای خود روشن سازیم.

بنابراین، ما خواهان حضور و مشارکت مردم هستیم تا هر شهروندی بتواند در رابطه با این که چه رخ می‌دهد، چگونه رخ می‌دهد و چگونه باید رخ دهد اطلاع کسب کند.

پس از آن که گرد آمدیم و هرکس قادر شد افکار خود را بیان کند، آن‌گاه رسیدن به تصمیماتی درباره‌ی وقایع محتمل آسان‌تر خواهد بود.^۸

باشگاه‌ها که به‌شدت در ضدیت با روحانیت قرار داشتند، بی‌درنگ کلیساها را برای برگزاری نشست‌ها تسخیر کردند یا از کمون یا شهرداران فرمان‌داری‌ها تقاضا کردند که حق‌اختیار انجام این کار را، دست‌کم در

^۸ Murailles politiques françaises, op. cit., (meeting at the Église Saint- Ambroise, XIth arrondissement) II, 420.

بعد از ظهرها، به آن‌ها بسپارد.^۹ باشگاه فرمانداری منطقه‌ی سوم پاریس که در کلیسای سنت-نیکلا-د-شامپ جلساتش را برگزار می‌کرد، مشتاقانه از سایر باشگاه‌ها نیز درخواست کرد که از همین الگو پیروی کنند:

خطاب ما به شما شهروندان همه‌ی فرمانداری‌هاست.

همانند ما عمل کنید؛ همه‌ی کلیساها را به محل برگزاری باشگاه‌های کمون بدل کنید؛ کشیش‌ها مراسم خود را صبح‌ها برگزار خواهند کرد؛ عصرها نیز نوبت شما خواهد بود که به آموزش سیاسی مردم بپردازید.^{۱۰}

با رسیدن ماه می، باشگاه‌ها دیگر به صورت ثابت در اکثر کلیساهای بزرگ محله‌های کارگری تشکیل جلسه می‌دادند.

باشگاه‌ها در انطباق با وضعیت سیاسی جدید، به درجات گوناگون خود را همچون واسطه‌ی میان کمون و شهروندان تلقی می‌کردند. نقش آن‌ها را می‌توان به طریق زیر خلاصه کرد:

۱. جلب بیشتر حمایت برای کمون، از طریق تبلیغ سرشت سیاسی و اجتماعی متریقی آن.^{۱۱}
۲. بدل شدن به مراکزی برای بیان نارضایتی‌ها، پیشنهادات و اطلاعاتی که کمون می‌توانست از آن‌ها [در جهت تصمیم‌گیری] استفاده کند.^{۱۲}

^۹ فوتولیو نمونه‌های متعددی را از این که باشگاه‌ها معمولاً چگونه به این کار دست می‌زدند را روایت کرده است:

Fontoulieu, op. cit., pp. 13, 50, 181, 270

در رابطه با درخواست باشگاه‌ها از مقامات کمون برای انجام این کار، بنگرید به تصمیم دوم می باشگاه/انقلاب/اجتماعی [Club sociale de la revolution] که از شهردار منطقه‌ی هفدهم می‌خواست کلیسای سنت‌میشل را در اختیارشان قرار دهد: Cons. de Guerre, op. cit

^{۱۰} Murailles, II, 145

در این مقاله از این باشگاه تحت عناوین متعددی نام برده‌ایم، از جمله:

باشگاه پرولترها، باشگاه کمونی کلیسای سنت - نیکلا - د- شامپ [Club des Proletaires, Club communal St. Nicolas-des-Champs]. در رابطه با باشگاهی که در کلیسای سنت‌امبروز تشکیل جلسه می‌داد نیز وضع به همین منوال است. من در هر مورد از نامی استفاده کرده‌ام که در مدارک مربوط ذکر شده است.

^{۱۱} این مسئله به کرات در دستور کار جلسات، بیانیه‌ها، ابلاغیه‌های منتشر شده در روزنامه‌ها ذکر شده است. مانند، اتحادیه‌ی زنان [L'Union des femmes] در مجله‌ی رسمی (کمون) در ۱۴ آوریل ۱۸۷۱؛

le Comite republicain socialiste du 5^e arrondissement, in Murailles, II, 117; Les divers comites fusionnets du XI^e arrondissement, ibid., II, 84-5; le club Eloi, in Fontoulieu, op. cit. p. 61-2

^{۱۲} نظرات اعلام‌شده در جلسات باشگاه‌ها یا نظراتی که در قالب نامه به باشگاه‌ها ارسال شده است. بنگرید به نامه‌ی ۱۶ می به باشگاه کلیسای سنت‌اوستاش که خواهان فرستادن پرسنل اجرایی به خدمت نظامی بود (موجود در اسناد وزارت جنگ)؛ نامه به کمون از سوی کمیته‌ی وزیرار (فرمانداری منطقه ۱۴) که به شکایت علیه یکی از بازرسان مدارس می‌پرداخت (موجود در اسناد وزارت جنگ)؛ نامه به دولوکوز (از اعضای کمون) از همین باشگاه که گزارشی است از ترک محل نگهداری نظامی یک شخص

۳. مشارکت در پیش‌نویس تصمیماتی که می‌بایست برای بررسی و اقدام آتی به کمون ارائه می‌شد.^{۱۳}

۴. بسیج حراست مردمی علیه اقدامات عناصر طرفدار ورسای در پایتخت.^{۱۴}

۵. کمک در مسائل اجرایی فرمانداری‌ها و پیاده‌سازی تصمیمات کمون.^{۱۵}

از سوی دیگر، کمون به‌صورت کلی در بهره‌گیری از ظرفیت بالقوه‌ی سازمان‌های مردمی برای اهداف تبلیغی و بسیج دفاعی ناموفق بود. برخی از سازمان‌ها، به‌رغم آن‌که نتوانستند کمک‌های مادی چشم‌گیری از کمون دریافت کنند، موفق به انتشار روزنامه، چاپ بیانیه‌ها و حفظ ستادهای فرماندهی خود شدند.^{۱۶} باین‌همه، این سازمان‌ها به دلیل کمبود منابع مالی، برنامه‌ی تبلیغی خود را عموماً به بحث‌های درون باشگاه و تصمیماتی محدود می‌کردند که در مطبوعات کموناردها و دیگر باشگاه‌ها نیز انتشار می‌یافت و توزیع می‌شد.^{۱۷}

بدون دستور، چهارده می (همان اسناد)؛ نامه به فرانکل (از اعضای کمون) از کمیته‌ی اتحادیه‌ی کارگران فرمانداری بخش ۱۳ که از عدم به‌کارگیری زنان در اغلب وظایف مربوط به دفاع از کمون شکایت می‌کرد. فقره‌ی ۳۳۴ در:

La Commune de Paris, Exposition d'art et d'histoire, ville de Saint-Denis (Saint-Denis, 1935)

^{۱۳} نمونه‌هایی از این پیشنهادات: پیشنهاد برای جایگزینی مدارس مذهبی که از سوی کمیسیون راهبری عمومی کمیته‌ی وژیرار در ۲۷ مارس ارسال شده است (اسناد وزارت جنگ)؛ پیشنهاد مصادره‌ی کالاهای موجود در مغازه‌های رهاشده و فروش آن‌ها در جهت کمک به بیوه‌زنان و یتیمان که از سوی باشگاه انقلابی فرمانداری منطقه‌ی هفدهم در چهاردهم می پیشنهاد شده است (همان منبع)؛ پیشنهادی مشابه از سوی کلوب انقلاب اجتماعی (فرمانداری منطقه‌ی پنج) در دوازدهم ماه می (همان منبع)؛ پیشنهاد برای جایگزینی سازمان کاربایی خصوصی با سازمان ثبت اطلاعات شغلی که در هر محله تشکیل شود، که از سوی سازمان کار کمیته‌ی وژیرار در ۲۷ مارس پیشنهاد شده است (همان منبع).

^{۱۴} برای مثال، باشگاه پرولتری (نام دیگر باشگاه کمونی کلیسای سنت-نیکلا-د-شامپ) در ۱۴ می، از شهروندان می‌خواهد که از محلات خود حراست کنند (همان منبع)؛ ارسال نماینده‌ای برای حصول اطمینان از زندانی ماندن اسقف اعظم از سوی باشگاه انقلابی فرمانداری بخش هفدهم در ۱۴ می (همان منبع)؛ باشگاه میهن‌پرستی کلیسای سنت‌آمبروز که متفق‌القول از کمون می‌خواهد شهروندان زنی فداکار را برای رسیدگی به مجروحان، جایگزین راهبه‌ها کند، ۹ می (همان منبع).

^{۱۵} برای مثال، کمیسیون‌هایی که از سوی کمیته‌ی وژیرار (فرمانداری بخش چهارده) تشکیل شدند تا به همکاری با کمیسیون‌های معینی از کمون بپردازند (همان منبع)؛ اتحادیه‌ی زنان که مشخصاً در رسیدگی و کمک به مجروحان جنگی فعال بود، بنگرید به مقاله‌ی من با عنوان:

"Le role des femmes dans la Commune de 1871," op. cit

^{۱۶} سه نمونه از این روزنامه‌ها را می‌توان در مجموعه‌ی به‌جامانده از روزنامه‌های کمون یافت: *بولتن کمونال*، ارگان باشگاه کمونی کلیسای سنت-نیکلا-د-شامپ (فرمانداری منطقه‌ی ۳)؛ *لو پرولتر*، ارگان باشگاه پرولتری (نام پیشین، باشگاه میهن‌پرستی) که در کلیسای سنت‌آمبروز جلساتش را برگزار می‌کرد (فرمانداری بخش ۱۱)؛ *لووگیه دو لاونیه‌ر*، ارگان «اتحادیه‌ها و مجمع‌های کارگری».

پوسترها ارزان‌ترین راه ارتباط با عموم مردم بود که نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان در *Murailles politiques françaises* یافت.

بنگرید به بحث درباره‌ی افزایش منابع مالی *لو پرولتر* در هفدهم و هجدهم ماه می، باشگاه د پرولتر (سنت آمبروز)، *اسناد وزرات جنگ*.

^{۱۷} روزنامه‌های اصلی‌ای که اخبار باشگاه‌ها و بیانیه‌ها را منتشر می‌ساختند عبارت بودند از:

اتحادیه‌ی زنان کارگر برای دفاع از پاریس و رسیدگی به زخمیان، که یکی از سازمان‌های بسیار کارآمد برای کمون بود، تلاش داشت که توجه کمون را به این مسئله جلب کند،

پیروزی در مبارزه‌ی فعلی ... برای شهروندان زن نیز به همان اندازه‌ی مردان از اهمیت برخوردار است؛ بسیج دقیق و به‌جای این عنصر انقلابی {یعنی زنان} در قالب نیرویی که بتواند حمایت مؤثر و مستحکمی از کمون پاریس به عمل بیاورد، تنها از طریق کمک و مشارکت دولت کمون امکان‌پذیر است

۱۸
...

مطالبه‌ی زیر از سوی اتحادیه که کمون را خطاب قرار می‌داد، تا اندازه‌ی زیادی بی‌نتیجه ماند:

۱. واداشتن فرمانداران به فراهم کردن اتاقی مجزا در فرمانداری‌ها و قرار دادن آن در اختیار کمیته‌ها و کمیته‌ی مرکزی زنان فرمانداری {یعنی، اتحادیه‌ی زنان}؛ و در صورت عدم امکان، فراهم کردن دفتری مجزا که کمیته‌ها بتوانند از آن به عنوان ستاد فرماندهی استفاده کنند؛

۲. تعیین تالاری بزرگ به همین منظور، که شهروندان زن بتوانند از آن برای برگزاری نشست‌ها استفاده کنند؛

۳. پرداخت هزینه‌های مربوط به چاپ بخش‌نامه‌ها، پوسترها و اعلامیه‌هایی که کمیته‌های مذکور آن‌ها را برای تبلیغ ضروری تلقی می‌کنند.^{۱۹}

هرچند کمون گاهی اوقات به چنین اقداماتی از سوی سازمان‌های مردمی روی خوش نشان می‌داد، به‌هیچ‌وجه حمایت چشم‌گیری از آنان به عمل نیاورد.^{۲۰} بااین‌همه، باشگاه‌ها، به‌رغم ناتوانی‌شان، به فعالیت‌های خود ادامه دادند و گاهی اوقات در اداره‌ی چندین فرمانداری هم مشارکت داشتند. در موارد متعددی نیز، به تسهیل اسکان

Journal officiel, le Vengeur, le Réveil, la Commune, Paris libre, Cri du Peuple, and la Sociale

^{۱۸} مجله‌ی رسمی، ۱۴ آوریل ۱۸۷۱. در این مقطع به‌واقع کمون در ستادهای فرماندهی فرمانداری‌های متعدد سازوکاری برای به‌کارگیری زنان برای رسیدگی به زخمیان و توزیع منابع تعبیه کرده بود. هم‌چنین، زمانی که کمیته‌های اتحادیه‌های زنان از فرمانداری‌های بخش‌های دوم، دهم و یازدهم، مردم سرگردان و فراری از بمباران را گردآوری کردند و اسکان دادند، فرماندار بخش دوم غذا و پناهگاه در اختیار آنان قرار داد؛ Reveil, May 2, 1871.

^{۱۹} مجله‌ی رسمی [کمون]، ۱۴ آوریل ۱۸۷۱. هم‌چنین بنگرید به قطعنامه‌ای که کمیته‌ی وزیرار در هشتم می تصویب کرد و در آن خواستار کمک مالی از کمون به‌منظور افزایش فعالیت‌های به صورت «شبانه‌روزی» با هدف خدمت‌رسانی به نیازهای جامعه بود؛ (اسناد وزارت جنگ).

^{۲۰} برای مشاهده‌ی یک استثناء، نک به صورت جلسات جلسه‌ی کمون در ۲۷ آوریل که در آن اشاراتی به این امر وجود دارد که «به دلیل نظم موجود در فرمانداری بخش سوم بود که باشگاه {یعنی باشگاه کمونی سنت-نیکلا-د-شامپ} امکان تأسیس پیدا کرد ... شهرداری برگزاری جلسات عمومی را خدمتی به جامعه تلقی می‌کرد». مجله‌ی رسمی، ۲۸ آوریل ۱۸۷۱؛ هم‌چنین نک به پیشنهاد فرمانداری بخش یکم برای تشکیل یک «شورای مشورتی»، Murailles, II, 279.

اضطراری و مراقبت از قربانیان جنگ و همچنین تأمین کمک و سرباز برای گردان‌های محلی گارد ملی پرداختند.^{۲۱}

سازمان‌های مردمی پیش از هرچیز، به ترغیب تعداد زیادی از کموناردها برای بیان نظراتشان درباره‌ی مسائل حیاتی اجتماعی و سیاسی مربوط به کمون، اهداف، اقدامات و تمهیدات دفاعی آن می‌پرداخت. همان‌گونه که یکی از باشگاه‌ها در نخستین شماره‌ی روزنامه‌اش بیان کرده بود:

ای مردم، شما باید خود از طریق نشست‌های عمومی و مطبوعاتتان، به اداره‌ی امور خود بپردازید؛ باید بر نمایندگان تان فشار بیاورید چراکه آن‌ها هرگز به‌خودی‌خود چندان در جهت انقلابی حرکت نمی‌کنند.^{۲۲}

چندین باشگاه درخواست داشتند که یکی از اعضای کمون به‌صورت ثابت در جلساتشان شرکت کند یا فرصتی برای ارائه‌ی گزارش در جلسات کمون مهیا شود.^{۲۳} مطابق انتظار، نخست یکی از باشگاه‌ها اصرار کرد که کمون به درخواست‌هایش پاسخ دهد و سپس در خلال ماه می، دیگر باشگاه‌ها نیز چنین کردند.^{۲۴} اساس‌نامه‌ی یکی از باشگاه‌ها چنین تصریح می‌کرد که نمایندگان باید هر روز به تالار شهر رفته و تصمیمات آن روز باشگاه را به اطلاع اعضای کمون برسانند. در ۳۰ آوریل، این باشگاه از کمون درخواست کرد که روزانه دوساعت از وقت خود را به بررسی دادخواست‌ها اختصاص دهد.^{۲۵}

باشگاه‌ها برای اعمال نفوذ بیشتر بر کمون، اهمیت اقدام هماهنگ را دریافتند^{۲۶} و دائماً قطعنامه‌هایی برای اقدام مشترک منتشر می‌کردند.^{۲۷} یازده باشگاه اقدام به تأسیس یک فدراسیون باشگاه‌ها کردند و از دیگران نیز خواستند که به آن‌ها ملحق شوند. موارد زیر نیز به عنوان اهداف این فدراسیون بیان شده بود:

بحث درباره‌ی پیشنهادات ارائه‌شده به کمون در هر باشگاه و پس از مطالعه‌ی پیشنهادات از سوی کمیته‌ی فدرال [باشگاه‌ها] ارسال آن‌ها به کمون.

^{۲۱} برای مثال، اتحادیه‌ی زنان که پیشتر ذکرش رفت؛ همچنین، نامه‌ای از یک فرمانده به نام کوترو در سوابق مربوط به باشگاه کمونی سنت-نیکلا-د-شامپ که در آن درخواست کمک‌های پزشکی برای واحدش آمده است. (اسناد وزارت جنگ).

^{۲۲} Bulletin communal of the Club St-Nicolas-des-Champs, May 6, 1871

^{۲۳} برای مثال:

Club des Proletaires (Saint-Ambroise), May 9, Cons. de Guerre; Club revolutionnaire du 5 arrondissement, no date, ibid.

^{۲۴} Club revolutionnaire du 5 arrondissement, no date, ibid.

^{۲۵} Club communal St-Nicolas-des-Champs, ibid.

^{۲۶} این دست‌تلاش‌ها در واقع چندین ماه پیش از کمون آغاز شدند. مولیناری (منبع پیشین) به جلسه‌ای در ۱۴ دسامبر ۱۸۷۰ اشاره دارد که در آن نیز اشاراتی به این دست‌تلاش‌ها شده است.

^{۲۷} برای مثال، باشگاه پرولترها (سنت‌امبروز) در ۱۶ می قطعنامه‌ای در رابطه با اجاره‌ها تصویب کرد که روز گذشته نیز در باشگاه کمونی سنت-نیکلا-د-شامپ تصویب شده بود.

حفظ رابطه‌ی روزانه با کمون به منظور ارسال اخبار روزانه‌ی فعالیت‌ها و وقایع نظامی برای انتقال به باشگاه‌ها از سوی نمایندگان^{۲۸}.

یکی از باشگاه‌ها در حمایت از فدراسیون پیشنهادی چنین بیان می‌کرد:

چنین اقدامی ضروری‌ترین و ثمربخش‌ترین اقدام است. گریزی از این نیست که نشست‌های عمومی به این شیوه متحد شوند تا هر یک امکان بیان پیشنهادات و در صورت امکان، اتخاذ تصمیماتی را که پیشتر از سوی دیگران به رأی گذاشته شده است داشته باشد تا بتوان نفوذی مشروع بر افکار عمومی اعمال کرد.^{۲۹}

در طول دو هفته‌ی آتی، باشگاه‌های دیگری هم به این فراخوان پاسخ دادند اما در آن زمان دیگر بیش از دو هفته از عمر کمون باقی نمانده بود.

تا جایی که من اطلاع دارم، به جز کمیسیون کار، صنعت و تجارت، کمون به اغلب گزارش‌ها و نامه‌هایی که از باشگاه‌ها و افراد دریافت می‌کرد پاسخی نداد. از قرار معلوم کمون فرصت بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت بالقوه‌ی مردمی را از دست داد. متعاقباً، فعالیت مردمی نیز همانند سیاست‌گذاری‌های خود کمون، عمدتاً بدون برنامه‌ریزی و خودانگیخته باقی ماند. باشگاه‌ها که سازمان‌های سیاسی شکل نیافته و نارسا محسوب می‌شدند، قادر نبودند که پیشنهادات انضمامی را [به کمون] تحمیل کنند. با این همه، به رغم آن که نمی‌توان تخمین دقیقی به دست داد، به نظر می‌رسد که برخی از اقدامات کمون در نتیجه‌ی نفوذ بحث‌ها و فعالیت‌های مردمی انجام شدند.^{۳۰} تنها دو روز پیش از آخرین هفته‌ی حیات کمون، یکی از اعضای آن در جلسه عمومی یکی از محلات چنین ذکر کرد: کمون نتوانسته به طرز بسنده‌ای از جنبش مردمی الهام بگیرد. به حد کافی با باشگاه‌ها ملاقات نداشته‌ایم. چنان که در کلیسای سنت - نیکلا - د - شامپ گفتیم، هنگامی که روبسپیر یا سن ژوست به کنوانسیون قدم می‌گذاشتند، به دلیل آن که از باشگاه ژاکوبن‌ها یا کوردلیه‌رها آمده بودند از حمایت برخوردار می‌شدند، درست همان طور که ثبات قدم [ژان پل] مارا نیز برخاسته از آن بود و نوشته‌هایش از آن چه در میان کارگران می‌شنید نشئت می‌گرفت.^{۳۱}

²⁸ Vengeur, May 7, 1871.

²⁹ Paris libre, May 4, 1871 جلسه‌ی باشگاه در ساله مولیه.

³⁰ برای مثال، فرمان مربوط به کار شبانه‌ی نانوايي‌ها و بازگشت لوازم گروگذاشته‌شده از مون دپیه.

³¹ جلسه‌ای در:

théâtre lyrique; Serie 27, archives of the Bible. histoire. De la ville de Paris.

اظهارات مشابهی در جلسه‌ای دیگر در ۱۹ می:

Proces-verbaux des seances de la Commune de Paris de 1871, Tome II (Paris, 1945).

سخنران این جلسه آمورو [Amouroux] است.

با این که این اظهار نظر کمابیش درست بود، صورت جلسات نشست‌ها نشان می‌دهند که اعضای از کمون، گاه به گاه در جلسات باشگاه‌ها شرکت می‌کردند و در برخی موارد نیز این تجربه تأثیر چشمگیری بر نحوه تفکر آنان برجا می‌گذاشت. نام‌نویسی برخی از نامزدها برای انتخابات کمون، جنبه‌ی مشخصاً مهمی از رابطه‌ی کمون با جلسات عمومی را شکل می‌داد. در اغلب فرمانداری‌های بخش‌های عمدتاً کارگری، سازمان‌های مردمی متعددی از جمله واحدهای گارد ملی، با هدف مشخص انتخاب نامزدهای خود برای این انتخابات، مردم را به شرکت در این جلسات ترغیب می‌کردند.^{۳۲} در برخی موارد، این کمیته‌ها و باشگاه‌ها به صورت مشترک فهرستی از نامزدها را برای یک منطقه تعیین می‌کردند.^{۳۳} در رابطه با پست‌هایی که اطلاعاتی برای مطالعه در اختیار داشته‌ایم، به طرز چشمگیری شاهد آن هستیم که اکثریت عمده‌ی نامزدهایی که از سوی این سازمان‌ها و جلسات مردمی تعیین شده بودند، موفق به پیروزی در انتخابات شدند.

در چند هفته‌ی آتی، برخی از اعضای کمون خود را برای گزارش دادن به جلسات عمومی و طلب یاری از آن‌ها آماده می‌کردند. همان‌طور که اعضای انتخابی کمون از فرمانداری بخش یکم بیان کرده‌اند:

ما اعضای عضو نمایندگان کمون از فرمانداری بخش یکم که امضایشان در زیر آمده است [اعلام می‌کنیم]:

از این نظر، اصول جمهوری‌خواهی حقیقی برای کمون توانسته است که به نمایندگی تمام‌عیار منافع شکل‌دهنده به کمون ترجمه شود:

از این نظر، برای دستیابی به این هدف، ضروری است که در هر محله گروه‌هایی را سازمان دهیم که خود نمایندگانشان را انتخاب کنند:

و این نمایندگان باید یک شورای مشورتی به منظور حمایت از اعضای کمون تشکیل دهند، آن‌هم حمایت از طریق فراهم کردن اطلاعات و پیشنهادات و نیز، نمایندگی مستقیم نیازهای مردمی که در رابطه‌ی مداوم با آن‌ها قرار دارند.

به این وسیله از تمامی شهروندان دعوت می‌کنیم در این جلسات حاضر شوند ...^{۳۴}

در فرمانداری بخش ۴:

اعضای انتخابی کمون از فرمانداری بخش ۴، در راستای پیگیری اصل دموکراتیک که مستلزم آن است که تمامی مجریان امور، افراد اثرپذیر از سیاست‌ها را در جریان قرار دهند و تمامی مناصب انتخابی به

^{۳۲} نک به پوسترهایی که خبر از چنین جلساتی می‌دهند: Murailles, II, 80, 104, 105, 107, 110, 116

^{۳۳} نک به پوسترهایی که نمونه‌های این فهرست‌ها در آن‌ها آمده: Murailles, II, 84-5, 113, 220, 232

^{۳۴} Ibid., II, 279.

انتخاب‌کنندگان گزارشی از اقداماتشان ارائه کنند، بدین‌وسیله از رأی‌دهندگان بخش ۴ درخواست می‌کند که آماده‌ی حضور برای ...^{۳۵}

زمانی که کمون به یک واقعیت بدل شد، دفاع نظامی و سیاسی از آن نیز به موضوع بحث‌های باشگاه‌ها بدل شد. در این بحث‌ها شاهد تمایل شدید افراد برای حراست از کمون و ترکیب آن با احساسات سنتی ضدیت با روحانیت هستیم که فعالیت کلیسا و روحانیت را ستون پنجم و مخاطره‌ای برای کمون تلقی می‌کرد. برای کموناردها که ملهم از آرمان‌های خردگرایی و اومانسیسم بودند، کلیسا و روحانیت در پایتخت، بیشتر و به‌شکلی ملموس‌تر از سربازان ورسای و طبقات فوقانی‌ای که پایتخت را ترک کرده بودند دشمن محسوب می‌شدند. بنابراین، از آن‌جا که روحانیت مشکوک به جاسوسی و کارشکنی بود، باشگاه‌ها پیشنهاداتی را در جهت محدودسازی آزادی، فعالیت و قدرتشان [به کمون] ارائه کردند. این پیشنهادات شامل طیف گسترده‌ای بود، از جایگزینی راهبه‌ها در بیمارستان‌ها با اعضای *انجمن مادران خانواده* گرفته تا اقدام چشم‌گیرتر مصادره‌ی اموال کلیسا.^{۳۶}

علاوه‌بر مسئله‌ی محدودیت فعالیت روحانیون و مصادره‌ی اموال کلیسا، مسئله‌ی مبارزه با دین به‌مثابه‌ی ایدئولوژی نیز توجه چشم‌گیری را به خود جلب کرده بود. دستورکار پیشنهادی باشگاهی، که به‌واقع بسیاری از دیگر باشگاه‌ها نیز همسو با آن کارزاری علیه دین به راه انداختند، چنین بیان می‌کرد: «نفوذ مخرب ادیان، علتی است برای از میان برداشتن آن‌ها».^{۳۷}

مهم‌ترین ابزار در این راستا، کارزار انحلال مدارس مذهبی و استقرار نظامی از آموزش دستورالعمل‌های عام، آزادمنشانه و لائیک بود.^{۳۸} چنان‌که یکی از سخنرانان باشگاه‌ها چنین بیان می‌کرد، آن‌ها با تأکید بسیار بر آموزش به‌مثابه‌ی نیروی رهایی‌بخش انسان‌ها، خواستار چنین چیزی بودند:

³⁵ Ibid. II, 521.

³⁶ Supra, p. 399, footnote 9. See also: Club republicain socialiste du 7 arrondissement, no date, Cons. de Guerre; Societe agis-comme-tu-penses, no date, ibid; Club des libres penseurs, Fontoulieu, op. cit., pp. 181-5; Club de la Revolution, (Mglise Saint-Bernard) in Henri d'Almeras, La vie parisienne pendant le siege et la Commune (Paris, 1927) p. 486.

³⁷ جلسه‌ای در کلیسای سنت لامبرت،

Fontoulieu, p. 164. See also: Club de la Victoire ibid., p. 254; Club de la Delivrance, ibid., p. 272; Association republicaine des ecoles, no date, dossier tcole de medecine, Cons. de Guerre.

³⁸ برای مثال:

"principles" of the Federation des associations departementales, Murailles, II, 214-5; "Expose de principes" of the Comite central electoral, republicain, democrate, socialiste du XI" arrondissement signed by 120 members, ibid., II, 84-5; meetings of

... آموزش عمومی، عام و آزادی که توسط معلمان غیرروحانی تدریس شود، چراکه کاست‌های دینی تا به حال مانع گسترش چنین آموزش‌هایی در میان طبقه‌ی کارگر شده‌اند و به این ترتیب، آن‌ها را از توانایی‌های بخشیدن به خود محروم ساخته‌اند ... فقط و فقط آموزش است که می‌تواند با مطلع‌سازی شهروندان نسبت به وظایف و حقوقشان ما را نجات بخشد.^{۳۹}

درواقع، پیشاپیش با تشکیل جلساتی عموم مردم را به شرکت در آن‌ها دعوت کرده بودند؛ موضوع این جلسات عبارت بود از «مطالعات و تصمیماتی در رابطه با اصلاحات مربوط به برنامه‌ی درسی، روش‌ها و قوانین تدریس».^{۴۰}

سازمان‌های مردمی به‌مثابه‌ی تجلی/نگیزه‌ی مردمی شکوفا و باعث به قدرت رسیدن کمیته‌ی مرکزی گارد ملی در ۱۸ مارس شدند و آن‌ها هم‌چنین منبع اصلی حمایت از سیاست‌های کمون و دفاع از آن باقی ماندند. به همین دلیل، بررسی اهداف کلی‌ای که این سازمان‌ها به انقلاب ۱۸ مارس کمون نسبت می‌دادند، مشخصاً از اهمیت فراوانی برخوردار است.

در این‌جا باید به‌وضوح میان دو گرایش اصلی در فعالیت مردمی تمایز قائل شویم: رویکردی میانه‌رو که به‌طرز فزاینده‌ای کم‌سروصداتر می‌شد و رویکردی رادیکال یا سوسیالیستی که دائماً گسترش می‌یافت. درحالی‌که موضع میانه‌رو منحصرأ بر زمینه‌های جمهوری‌خواهانه و میهن‌پرستانه متکی بود، موضع رادیکال امید مبهمی به دستیابی به جامعه‌ای داشت که کارگران در آن فرادست باشند. با این‌همه، در بحث درباره‌ی اهداف آن‌ها، نسبت دادن سرسری برچسب‌هایی مانند آرمانشهری، پرودونستی، مارکسیستی یا بلانکیستی چندان دقیق نخواهد بود. دوره‌ی کوتاه کمون به‌خودی‌خود موجب محدودیت بسط و گسترش این دست ایدئولوژی‌های مشخص شد که از امکان گسترش در بین خیل عظیمی از کموناردها برخوردار بودند. این دوره بیشتر دوره‌ی رواج سرسری و مبهم مفاهیم و اصطلاحاتی بود هم‌چون «کمونالیسم»، «کلکتیویسم»، «فدرالیسم»، «جمهوری اجتماعی» و «رهایی».

کمون نزد گروه میانه‌رو، در رابطه با پنج مسئله‌ی اساسی، پاسخی به دولت موقت دفاع ملی تلقی می‌شد. این مسائل عبارت بودند از:

۱. تسلیم «خیانت‌کارانه» در برابر پروس.
۲. تهدید شکل جمهوری حکومت از سوی مجمع سلطنت‌طلبان که در هشتم فوریه انتخاب شده بود.

the Club des Proletaires (Saint-Ambroise), on May 9, 14, 17, and 18, Cons. De Guerre; Comite de Vigilence du 14 arrondissement, March 27, ibid.

³⁹ Club des Prolétaires (Saint-Ambroise), May 14, ibid.

⁴⁰ Journal officiel, April 14, 1871.

۳. پرداخت فوری تعهداتی که در خلال محاصره‌ی پاریس عقد شده بود.

۴. استمرار قدرت کلیسا به‌ویژه در زمینه‌ی آموزش.

۵. فقدان خودگردانی [self-government] در پاریس.

همان‌گونه که یکی از این سازمان‌ها در برنامه‌اش اعلام کرده بود، اهداف مبارزه با ورسای عبارت بودند از به‌رسمیت شناختن جمهوری و ... «به‌رسمیت شناختن حق پاریس برای اداره‌ی خود، اداره‌ی نیروی پلیس، سازمان مالی، رفاهی، آموزش و اعمال آزادی عقیده از رهگذر شورایی که به صورت آزادانه انتخاب شده باشد.»^{۴۱}

این نیروهای میانه‌رو به ندرت به مسائل اجتماعی اشاره‌ای می‌کردند. این نیروها که عمدتاً برخاسته از طبقه‌ی متوسط بودند، در جریان جنگ داخلی به‌طرزی فزاینده در حمایت از کمون محتاطانه عمل کردند. رشد رادیکالیسم در خلال ماه‌های آوریل و می و آگاهی فزاینده از شکست اجتناب‌ناپذیر نظامی بدون‌شک در تسریع دلسردی آنان مؤثر بود. برخی از این گروه‌ها، مشخصاً چندین لژ فراماسونری، اقدام به تلاش‌های مذبحخانه‌ای در جهت برقراری مصالحه میان ورسای و کمون کردند.^{۴۲}

به‌نظر می‌رسد که موضع رادیکال مشترکاً از آن اکثریت قاطع اتحادیه‌ها و باشگاه‌ها بود. در مباحث و صورت‌بندی‌های مبهم آنان می‌توان شاهد طرح کلیات جامعه‌ای سوسیالیستی بود که [از نظر آنان] کمون دیر یا زود گذار به این جامعه را آغاز می‌کند. این رویکرد مبتنی بر این فرض ضمنی بود که کمون در دفاع نظامی از خود موفق خواهد بود.

رادیکال‌ها نگران نارضایتی‌های نیروهای میانه‌رو نیز بودند، اما آن‌ها برداشت ابتدایی میانه‌روها از خودمختاری بخش‌های مختلف شهری را بیشتر مسئله‌ای سیاسی تلقی می‌کردند. در واکنش به حکومت خودکامه‌ی فرانسه که متکی بر روستاها بود، خودمختاری بخش‌های شهرداری‌ها ابزاری تلقی می‌شد برای تحقق بی‌درنگ اصلاح اجتماعی در پاریس، بی‌آنکه این اصلاحات در تعارض با نواحی محافظه‌کار روستایی قرار بگیرد. در یکی از بیانیه‌های زیرمجموعه‌های پاریسی بین‌الملل و شورای متحد اتحادیه‌های کارگری چنین آمده است:

ما خواستار رهایی کارگران بوده‌ایم و نمایندگی کمونی {یعنی حکومت خودمختار بخش‌های مختلف شهری} تضمینی برای این رهایی خواهد بود. چراکه این شکل از نمایندگی به هر شهروندی ابزار لازم

⁴¹ Ligue d'union républicaine des droits de Paris, April 6, Murailles, II, 201.

⁴² برای مثال:

anon. poster, Murailles, II, 177; Masons, ibid., II, 229-31; Ligue d'uan ion republicaine des droits de Paris, Journal officiel, April 14, 1871.

برای دفاع از حقوقش و نیز کنترل مؤثر اقدامات نمایندگانش را اعطا می‌کند، نمایندگانی که مدیریتِ منافع شهروندان و اقدام جهت اصلاحات اجتماعی تدریجی به آن‌ها سپرده شده است. ... {مردم پاریس}، فراتر از رأی و تصمیم هر انجمنی، بر حقوق خود صحه می‌گذارند، حقوقشان به‌مثابه‌ی صاحبان شهر و تشکیل نمایندگی شهرداری‌ها، به هر نحوی که مناسب می‌بینند، بی‌آنکه ادعای تحمیل آن را بر دیگران داشته باشند.^{۴۳}

یا چنان که یکی از سخنرانان می‌گفت: «اگر قرار باشد که پاسخی برای مسئله‌ی اجتماعی نیابیم، اگر قرار باشد کارگران در همان شرایط پیشین باقی بمانند، دیگر پیروزی بر ورسای چه اهمیتی دارد!»^{۴۴}

راه‌حل‌های عموماً مبهمی که برای مسئله‌ی اجتماعی پیشنهاد می‌شد، صورت‌بندی‌های متفاوتی به خود می‌گرفت. برخی از آن‌ها بیشتر از بقیه سوسیالیستی بودند، اما همگی مبارزه‌ی میان کمون و ورسای را مبارزه‌ی میان طبقه‌ی کارگر و طبقات مالک (زمین‌داران یا سرمایه‌داران) می‌دانستند.

اعلامیه‌ی عمومی زیر فراخوان جلسه‌ای است که اتحادیه‌ی جواهرکاران منتشر کرده بود:

در دورانی که سوسیالیسم به طرز بی‌سابقه‌ای ابراز وجود می‌کند، برای ما کارگرانی که در حرفه‌ای مشغولیم که شدیدتر از دیگران تأثیرات غیراخلاقی سرمایه و استثمار را تجربه می‌کنیم، آری برای ما منفع‌ماندن نسبت به جنبش‌های بی‌بخشی که در لایه‌های زیرین دولتی حقیقتاً لیبرال شکل گرفته است غیرممکن است.^{۴۵}

در نوبت انتخابات ۲۶ مارس برای کمون، یکی از کمیته‌های باشگاه‌ها و تمامی گردان‌های گارد ملی فرمانداری بخش یازدهم، لیستی از هفت نامزد را (که پنج نفر از آن‌ها در انتخابات برگزیده شدند) به همراه فهرست اهداف زیر که سوبه‌ای پرودونستی داشتند اعلام کردند:

نیروی کار جمعی می‌بایست سازمان‌دهی شود ... هریک از این نیروهای کار جمعی از حق مالکیت برخوردار است و به‌واقع نیز این حق می‌بایست به آن‌ها تعلق داشته باشد تا بتوانند (به‌دلیل هم‌پاری فردی‌شان [در فرایند کار]) از ثمره‌ی جمعی کار همگان بهره بگیرد ...

... این آینده‌ای بهتر است که در آن ... دیگر خبری از ستمگر و ستم‌دیده نیست؛ دیگر خبری از تمایزات طبقاتی میان شهروندان نیست و دیگر مانعی میان مردم وجود نخواهد داشت ...^{۴۶}

⁴³ Journal officiel, March 27, 1871.

⁴⁴ به نقل از: Ed. & Jules de Goncourt, Journal, Tome IV, 1870-1871 (Paris, 1935), p. 232.

⁴⁵ Murailles, II, 446.

⁴⁶ Comite central electoral, republicain, democrate, socialiste du XI arrondissement, Murailles, II, 84-5.

باشگاه دیگری نیز به شکلی مشابه، اهداف زیر را در برنامه‌ی خود آورده بود:
... حذف تمامی امتیازات و انحصارات به منظور جایگزینی آن‌ها با قانون مهارت و نیز با هدف آن که کارگر بتواند حقیقتاً از محصول کارش بهره‌مند گردد ...^{۴۷}

یکی از کمیته‌هایی که سازمان‌های مردمی را نمایندگی می‌کرد، در پیشنهادش برای نامزدهای انتخابات ۲۶ مارس به شیوه‌ای کمابیش ژاکوبنی چنین بیان می‌کرد:

شما نیز همانند پدرانان در ۱۷۸۹ از طریق آرای آشکارا انقلابی‌تان اصلی تازه را تأیید خواهید کرد که مَهر پایانی بر دوران نزاع مدنی خواهد بود.
اما مهم‌تر از همه، شما به این وسیله ایمانتان را به احیاء نیروی کار اعلام خواهید کرد، آن‌هم از طریق فرستادن افرادی به کمون که اغلب به طبقه‌ای متعلق‌اند که تا به امروز به شکلی نظام‌مند از حکومت کنار گذاشته می‌شدند ...^{۴۸}

نمونه‌هایی از موضع رادیکال را می‌توان در صورت‌جلسات و اسنادی یافت که مشخصاً به اتحادیه‌های کارگری مربوط می‌شوند و به‌رغم اهمیتشان از سوی مورخان کمون نادیده گرفته شده‌اند.^{۴۹} در یکی از جلسات عمومی اتحادیه‌ی نانوبی‌ها در ۱۳ می، یکی از نمایندگان کمون گزارش می‌دهد که «محاکمه‌ای برای بورژوازی» به راه انداخته و خواستار «توقف استثمار انسان توسط انسان» شده است.^{۵۰} به نمایندگان اتحادیه‌ی فلزکاران برای کمیسیون کار، صنعت و تجارت کمون دستور داده شده بود که در جهت ... «توقف استثمار انسان توسط انسان، یعنی آخرین شکل برده‌داری؛ و نیز سازماندهی کار از رهگذر انجمن‌های قدرتمند و دارای سرمایه‌ی جمعی و غیرقابل‌واگذاری» تلاش کنند، [چراکه] «... هدف مبارزه رهایی اقتصادی ماست».^{۵۱}

آشکارا می‌توان شاهد بود که الهام‌بخش رهبری گروه پرنفوذ/اتحادیه‌ی زنان برای دفاع از پاریس و کمک به زخمیان برخی اهداف سوسیالیستی بوده است.^{۵۲} پوسترها، مصوبات و صورت‌جلسات این اتحادیه حاکی از وجود حمایت مردمی چشمگیری است، از جمله دخالت تعداد زیادی از زنان در تبلیغات سازمان و فعالیت‌های مربوط به

^{۴۷} باشگاه پرولتری (سنت‌امبروز) در روزنامه‌اش: Le Prolétaire, May 10, 1871

^{۴۸} Le comite republicain socialiste du cinquieme arrondissement, Murailles, II, 117.

^{۴۹} مطالعات چندانی در این زمینه صورت نگرفته است، هرچند برای مثال، نک به:

Molok, op. cit.; Pierre Ponsot, Les greves de 1870 et la Commune de 1871 an Creusot (Paris, 1957); Claude Perrot, L'oeuvre sociale de la Commune, for diplome d'etudes superieures (Sorbonne, 1950).

^{۵۰} به نقل از: L. Michelant, "Un souvenir de la Commune," Journal des économistes, XXIII (1871), 264.

^{۵۱} جلسه‌ی بیست‌وسوم آوریل، Journal officiel, April 25, 1871.

^{۵۲} برای شرح کاملی از این موضوع، نک به مقاله‌ی من (منبع پیشین).

دفاع مدنی. وجه‌مميزه‌ی موضع سوسیالیستی را می‌توان از پاسخ اتحادیه به مطالبه‌ی مصالحه میان کمون و ورسای دریافت:

... [چنین مصالحه‌ای] انکار تمامی آمال کارگران خواهد بود، آمالی هم‌چون اصلاح اجتماعی تمام‌وکمال، الغای تمامی مناسبات اجتماعی و قانونی موجود، لغو تمامی امتیازات، تمامی استثمراها و جایگزینی حکومت سرمایه با حکومت کار؛ در یک کلام، رهایی کارگر از رهگذر تلاش‌های خودش.^{۵۳}

یکی از چهره‌های برجسته‌ی کمیته‌ی مرکزی اتحادیه، خواستار حمایت اعضای رده‌بالای اتحادیه از او در جهت پیشنهاد برقراری پیوند میان زیرمجموعه‌های اتحادیه‌ی زنان با بین‌الملل شد.^{۵۴} در واقع، در خلال دوره‌ی برقراری کمون، بین‌الملل که نزدیک به سی زیرمجموعه در پاریس داشت، در میان دیگر سازمان‌های مردمی از اعتبار قابل توجهی برخوردار بود. باشگاه‌ها و اتحادیه‌های کارگری و هم‌چنین، مجمع عمومی کمیته‌های حراست [از محلات] همگی بر اهداف بین‌الملل صحنه می‌گذاشتند.^{۵۵} بسیاری از نامزدهای معرفی‌شده از سوی سازمان‌های مردمی برای انتخابات ۲۶ مارس، اعضای فعال بین‌الملل محسوب می‌شدند.^{۵۶} البته، اگرچه کارگران به صورت کلی بین‌الملل را نیروی عمده در جهت انقلاب اجتماعی می‌دانستند، احتمالاً درک کامل و دقیقی از معنای برنامه‌های آن نداشتند.

احترامی که سازمان‌های مردمی برای بین‌الملل قائل بودند، هم‌چنین با تعلق خاطر آن‌ها به بلانکی نیز هم‌خوانی داشت، انقلابی مشهوری که ورسای او را در زندانی مخفی محبوس کرده بود. در جلسات اشارات فراوانی به این مسئله وجود دارد که ضرورت دارد کمون در جهت رهایی او دست به اقداماتی تلافی‌جویانه بزند.^{۵۷}

علاوه بر رویکردهای کلی در رابطه با دین، آموزش عمومی و طیف گسترده‌ی اهداف کمون که تا به این‌جا ذکرشان رفت، موضوعاتی نظیر از بین بردن ارتش دائمی،^{۵۸} برابری تمام‌وکمال برای زنان،^{۵۹} و لغو مجازات اعدام نیز مطرح می‌شد.^{۶۰}

⁵³ Murailles, II, 440.

⁵⁴ Letter to G. Jung, reproduced in *The First International During the Paris Commune. Documents and Materials* [in Russian] (Moscow, 1941), p. 193.

⁵⁵ Surpa, note 6.

^{۵۶} از میان ۵ نفری که از سوی سوسیال‌دموکرات‌های فرمانداری بخش هفدهم نامزد شده و به‌عنوان اعضای بین‌الملل معرفی شده بودند، ۴ نفر در انتخابات پیروز شدند: Murailles, II, 116

⁵⁷ Club des prolétaires (Saint-Nicolas-des-Champs), 30 April, Fontoulieu, op. cit. p. 158; Club révolutionnaire du 17 arrondissement, May 14, Cons. de Guerre; Club des prolétaires (Saint-Ambroise), May 20, ibid.

⁵⁸ Comité central électoral, républicain, démocrate, socialiste du XI arrondissement, Murailles, II, 84-5; Fédération des Associations départementales, ibid, II, 212-3; Club des Proletaires (Saint-Ambroise), May 17, Cons. de Guerre.

سازمان‌های مردمی که کمون را حکومتی می‌دانستند که، بیش از همه، کارگران را نمایندگی می‌کند، برای قانون‌گذاری در جهت بهبود فوری رفاه این طبقه در چارچوب محدودیت‌هایی که جنگ با ورسای تحمیل می‌کرد به کمون متوسل می‌شدند. در برخی موارد نکاتی که آن‌ها ذکر می‌کردند احتمالاً در اقدامات کمون مؤثر بوده است. اقداماتی که این سازمان‌ها درباره‌اش به بحث پرداخته بودند عبارتند از: تمدید معافیت از پرداخت اجاره‌ها،^{۶۱} پرداخت یارانه از سوی کمون برای پایین نگاه داشتن قیمت زغال،^{۶۲} اصلاح مالیاتی،^{۶۳} جایگزینی دفاتر کاریابی خصوصی با دفاتر عمومی غیرانتفاعی،^{۶۴} تحقیق در خصوص پرداخت دستمزدهای پایین از سوی کارفرمایان،^{۶۵} و پرداخت کمک‌های مالی به سربازان کمونارد زخمی یا خانواده‌های کسانی که کشته شده بودند.^{۶۶}

یکی از موارد مشخصاً قابل‌توجه، حمایت اتحادیه‌های کارگری از فعالیت کمیسیون کار، صنعت و تجارت بود. این مسئله به‌طور مشخص در رابطه با فرمان کمون و فراخوان برای مصادره‌ی کارگاه‌های رهاشده مصداق داشت. مسئله‌ی مهمی است که این فرمان مقدمات مشارکت اتحادیه‌های کارگری در اجرای فرمان را فراهم می‌کرد. از اتحادیه‌ها خواسته شده بود که کمیته‌هایی تشکیل دهند و فهرستی از کارگاه‌ها تهیه و برای تبدیل فوری آن‌ها به تعاونی‌هایی که توسط خود کارگران اداره می‌شوند، برنامه‌ریزی کنند. اتحادیه‌ها بی‌درنگ به این درخواست پاسخ دادند. نمایندگانی از سوی اتحادیه‌ها فرستاده شد و تصمیماتی نیز اتخاذ شد که در برخی موارد، این فرمان را آغاز «رهایی کارگران» تفسیر می‌کرد. از آن‌جا که کمون چند هفته‌ای بیشتر با شکستش فاصله نداشت، حدس این‌که رابطه‌ی میان اتحادیه‌ها و کمون تا کجا می‌توانست ادامه و بسط‌و‌گسترش یابد دشوار است.

غیاب مواردی هم‌چون زمان لازم و هم‌چنین رهبری مانع از رشد یک جنبش کارگری قدرتمند شد. با این‌همه، کمون به‌راستی در این جهت حرکت می‌کرد. کمون فارغ از فرمانش در رابطه با کارخانه‌های رهاشده، هم‌چنین در هریک از بخش‌های فرمانداری‌ها درباره‌ی اتحادیه‌های پارسی و انجمن‌های کارگری خیرخواه اطلاع‌رسانی

⁵⁹ Club des libres penseurs, Fontoulieu, p. 184; l'Union des Femmes, Journal officiel, April 14, 1871.

⁶⁰ Federation des associations departementales, Murailles, II, 212-3

⁶¹ Club de l'Ecole de medecine, Cri du Peuple, April 5, 1871; Club des Proletaires (Saint-Ambroise), May 16, Cons. de Guerre.

⁶² Club des prolétaires (Saint-Ambroise), May 17, ibid.

⁶³ Federation des associations departementales, Murailles, II, 212-3; Comite central electoral, republicain, democrate, socialiste due XI" arrondissement, ibid., II, 84-5.

⁶⁴ Comite de vigilance du XIV arrondissement, March 27, Cons. De Guerre.

⁶⁵ Club des Prolétaires (Saint-Ambroise), May 13, ibid.

⁶⁶ Club de la revolution sociale, Cri du Peuple, May 15, 1871; Club revolutionnaire du 17' arrondissement, May 14, Cons. de Guerre.

می‌کرد،^{۶۷} تشکیل اتحادیه برای کارگران زن را تشویق می‌کرد^{۶۸} و تصویب کرد که قراردادهای آتی تولید اقلام نظامی می‌بایست در همکاری نزدیک با انجمن‌های کارگری مربوطه تنظیم شوند. ممنوعیت کار شبانه در نانوائی‌ها در ۸ می، نمونه‌ای از توجه کمون به درخواست‌های اتحادیه‌ها را نشان می‌دهد.

باور رایج این بود که فقدان پول و تجهیزات، مانعی اساسی بر سر راه ترویج اصلاحات اجتماعی پرادمانه‌تر و نیز سیاست‌های نظامی کارآمدتر بود. یکی از راه‌حل‌های این مسئله مصادره‌ی منابع متعلق به افراد ثروتمند، کلیسا و بانک فرانسه بود.^{۶۹} به قول یکی از سخنرانان باشگاه‌ها:

... ما برای آمبولانس‌ها نه ملحفه‌ای داریم و نه تشکی؛ که تمام این‌ها را می‌توان در خانه‌های ثروتمندان یافت. شوهران ما، برادران ما که مشغول دفاع از پاریس‌اند، اغلب فاقد ضروریات زندگی‌اند، درحالی‌که دیگران بیش از نیازشان دارند.^{۷۰}

کمون را از این بابت نقد می‌کردند که وظیفه‌اش را فراموش کرده است، یعنی «ضرورتِ نجات ملت و متعاقباً عملکرد پُرانرژی و نیز کنار گذاشتن موقتی سیاست‌هایی که فقط و فقط به نفع ارتجاع‌اند، هرچند این امر نافی احترام بسیار به‌جا برای مسائل حقوقی نیست».^{۷۱} هم‌زمان با رسیدن گزارش‌هایی مبنی بر شقاوت ارتش ورسای در قبال زندانیان و وخامت مخمضه‌ی نظامی کمون، این رویکرد نیز در میان افکار عمومی گسترش بیشتری یافت. شاید این نظر رئیس باشگاه سن‌سورین را بتوان نظر مشترک دیگر باشگاه‌ها نیز دانست که در نامه‌ای به یکی از اعضای کمون چنین آورده بود که باید «کار بورژوازی را با یک ضربه تمام کرد ... تنها راه این مسئله از نظر من، تملک بانک فرانسه است ...».^{۷۲}

تردید در راستای اعمال این دست اقدامات متهورانه و تمام‌عیار که مطالبه‌ی کموناردهای رادیکال بود، هم‌چنین سرشت راهبرد نظامی کمون را نیز آشکار می‌سازد. یکی از اعضای زیرمجموعه‌ی بین‌الملل، برداشت عمومی از تردید کمون را این‌گونه جمع‌بندی کرده است:

با توجه به دوران به‌شدت مخاطره‌آمیز فعلی برای نهادهای اجتماعی و فقدان توان لازم در میان اعضای کمون، نه‌تنها در جهت صدور فرمان‌ها بلکه برای اقدامات انقلابی‌ای که تنها به‌مدد آن‌ها می‌توان از این وضعیت نجات یافت و پیروزی انقلابی را که به‌شکلی موفقیت‌آمیز در ۱۸ مارس آغاز

⁶⁷ Enquête parlementaire sur l'Insurrection du 18 mars 1871, op. cit., p. 534.

⁶⁸ Murailles, II, 522.

⁶⁹ Club de la Délivrance, Fontoulieu, p. 272-3; Club des Prolétaires (Saint-Ambroise), May 9, Cons. de Guerre; Club révolutionnaire du 17^e arrondissement, May 14, ibid

⁷⁰ Fontoulieu, p. 279.

⁷¹ Club communal Saint-Nicolas-des-Champs, Murailles, II, 145.

⁷² Fontoulieu, p. 287.

شده تضمین کرد؛ اعضای بخش‌هایی که نامشان در بالا آمد، از شما نمایندگان منتخبشان تقاضا دارند که تمهیدی برای وضعیت فعلی بیابید، وضعیتی که، در صورت ادامه‌ی مسیر اتخاذشده از سوی شما، لاجرم به سقوط ما خواهد انجامید ...⁷³

تردید و درنگ کمون باعث شد که باشگاه‌ها از تأسیس کمیته‌ای برای امنیت عمومی حمایت کنند. هرچند برخی از نمایندگان بین‌الملل نیز در میان آن دسته از اعضای مخالف با این اقدام قرار داشتند، همان باشگاه‌هایی که به منظور راهنمایی به کمون متوسل شده بودند، عموماً از تأسیس این کمیته استقبال کردند. این تناقض چندان عجیب نیست، چراکه در غیاب اصولی همه‌جانبه و متناسب، گروه‌های اندکی از کموناردها تصویر مشخصی از مسیر گذار به جمهوری/اجتماعی در سر داشتند، یعنی تصویری فراتر از صرف دفاع بی‌درنگ و پرشور از کمون. تأسیس کمیته‌ی امنیت عمومی، که تا حد چشم‌گیری از کمیته‌ی هم‌نامش در ۱۷۹۳ الهام گرفته بود، یکی از همین اقدامات پرشور بود.

در مقام جمع‌بندی باید گفت که منابع بررسی‌شده در این مقاله از وجود فعالیت جدی و پرشور کموناردها در قالب باشگاه‌ها، کمیته‌ها، اتحادیه‌ها، زیرمجموعه‌های بین‌الملل و گروه‌های زنان خبر می‌دهد. این فعالیت‌ها به صورت کلی نمایانگر سرشتی مشخصاً «پرولتری» هستند. رویکرد رادیکالی که طولی نکشید تا عملاً به تنها رویکرد موجود در بین سازمان‌های مردمی بدل شود، سازمان‌هایی که مبارزه‌ی میان ورسای و کمون را مبارزه‌ی میان «استثمارکنندگان» و «استثمارشوندگان» تفسیر می‌کردند و در نظر آنان، هدف نهایی از این مبارزه، دستیابی به شکلی از هژمونی طبقه‌ی کارگر بود.

هرچند به دست دادن برآوردی دقیق از تمایلات سوسیالیستی دشوار است، ارزیابی‌های رایجی نیز که معمولاً بر بررسی روزنامه‌های مهم، خاطرات و اسناد رسمی کمون متکی‌اند مشخصاً از منظر توضیح سازمان‌های مردمی نابسندند. هم‌چنین کمیته‌ی اعلامیه‌های آشکارا سوسیالیستی را نیز نمی‌توان به‌خودی‌خود مبنایی بسنده در نظر گرفت، هرچند بدون شک نمونه‌های چنین اعلامیه‌هایی کم هم نبودند. به نظر می‌رسد عموماً باشگاه‌ها و انجمن‌ها به خوبی دریافته بودند که بدون وجود امنیت نظامی اقدام به اصلاحات اقتصادی پایه‌ای ممکن نیست. در نتیجه، اغلب مباحث بیش از آن که به برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی متعدد پردازند، به بهبود اقدامات دفاعی نظامی مربوط می‌شدند. اما موکول کردن این دست برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی به اولویت ثانویه در مباحث، به معنای فقدان تفکر سوسیالیستی نبود؛ درواقع آگاهی از اهداف غایی سوسیالیستی و مسائل بلافصل مربوط به دفاع نظامی مانع‌الجمع نبودند.

⁷³ Montrouge section, May 12, Cons, de Guerre.

چنان‌که پیشتر هم ذکر شد، برخی از باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و سایر گروه‌ها پیشاپیش در دوره‌ی پاگرفتن انقلاب، با مطالبه‌ی کمون اهداف سوسیالیستی خود را بیان کرده بودند. تأثیر کموناردهایی که تفکر سوسیالیستی داشتند، بعد از ۱۸ مارس بیشتر شد، یعنی هم‌زمان با خالی کردن میدان از سوی حامیان میانه‌روی که مأیوس شده بودند. با این‌همه، مجال بسط و گسترش پیچیدگی‌های چشم‌اندازی سوسیالیستی فراهم نیامد، چراکه هم عمر کمون کوتاه و هم وضعیت نظامی حاد بود و نیز گروهی وجود نداشت که قصد بسط و گسترش فوری چنین چشم‌انداز سوسیالیستی‌ای را داشته باشد.

این مقاله ترجمه‌ای است از:

Eugene W. Schulkind (1960), [The Activity of Popular Organizations during the Paris Commune of 1871](#), in *French Historical Studies*, Vol. 1, No. 4 (Autumn, 1960), pp. 394-415